

## بررسی مهمترین مسائل ادبی از دیدگاه دکتر عبدالحسین زرین کوب

عبدالله راز  
دکتر احمدرضی  
دانشگاه کیلان

### مقدمه

دکتر عبدالحسین زرین کوب یکی از پژوهشگران موفق در دوره معاصر به شمار می‌رود که در حوزه‌های گوناگونی از جمله ادبیات، تاریخ، عرفان، فلسفه و ادیان به تحقیق پرداخته و آثار علمی متنوع و متعددی از خود به یادگار گذاشته است.

پژوهشهای دکتر زرین کوب سهم عمده‌ای در شناساندن میراث ارزشمند فرهنگ و ادب فارسی داشته است به طوری که بسیاری از مقالات و کتابهای محققان معاصر در زمینه‌های یاد شده، مستند به آثار اوست و به همین سبب نوشته‌های او از منابع پراستناد به شمار می‌رود.

برجستگی دکتر زرین کوب در عرصه پژوهش، مسلماً ناشی از علل و عوامل مختلفی است که بخشی از آنها ریشه در نبوغ و خصلتهای فردی او دارد و بخش دیگر ناشی از تلاش طاقت‌فرسا و مستمر او برای جستجوی روشمند حقایق علمی است. داشتن روحیه کنجکاوی و جستجوگری، دارا بودن تواضع علمی، پرهیز از یکسونگری، آشنایی با زبانهای متعدد خارجی، استقصای کافی و بررسی عمیق، داشتن دید انتقادی و آسیب شناسانه، بهره‌گیری از رویکرد تطبیقی در حل مسائل پژوهشی، اتخاذ نگاه بین رشته‌ای در پژوهشگری و آمیزش تاریخ، فلسفه، ادبیات و عرفان در موفقیت او نقش اساسی داشته‌اند.

اهمیت کار او در این است که او بیش از هر چیز، به دنبال یافتن پاسخ برای سؤالات و پرسشهایی بود که ذهن او را به خود مشغول می‌کرد. خصلت کنجکاوی و پرسشگری ریشه در دوران کودکی او داشت که بعدها در وجود او نهادینه شده بود. میل و اشتیاق به دانستن، هدف اولیه زرین کوب بود؛ او می‌خواست به

پاسخهایی دست یابد که برای خود او مایه اطمینان خاطر باشد و همین پرسشها و جستجوها بود که خاطرش را از این سو و آن سو به حرکت وا می داشت. (رگ، زرین کوب، ۱۳۶۸: ۹۶)

روحیه پرسشگری در وجود دکتر زرین کوب موجب می شد تا او مهمترین مسئله ها را در حوزه مطالعاتی خود شناسایی کند و تحقیقات خود را در جهت آن مسائل سوق دهد. اصولاً یکی از علل برجستگی او در عرصه پژوهش و تحقیق علمی، توجه ویژه اش به «مسئله تحقیق» بود.

«مسئله» از ارکان پژوهش علمی به شمار می رود و یکی از شاخصهای مهم ارزیابی تحقیقات در رشته های گوناگون است. «مسئله تحقیق» پرسش تازه ای است که در ذهن پژوهشگر جرقه می زند و معمولاً بیان کننده موانعی است که بر سر راه فهم یک پدیده و یا کاربرد یک ایده وجود دارد.

در این مقاله با نگاهی به آثار دکتر زرین کوب، مهمترین مسائل ادبی از نظر او شناسایی می شود و مورد بررسی قرار می گیرد؛ شیوه مسئله یابی و نحوه مواجهه او با مشکلات ادبی تبیین می گردد و تلاش او برای حل برخی از مسائل ادبی نشان داده می شود.

اساس این نوشتار بر این پیش فرض بنا شده است که آشنایی با تجربیات محققان برجسته ادبی در مراحل گوناگون پژوهشی، از جمله در مسئله یابی، می تواند راهنمای پژوهشگران معاصر به ویژه نسل جوان باشد تا آنان ضمن آشنایی با شیوه های پژوهشگران موفق، خود بتوانند اولویت دارترین مسائل پژوهشی را تشخیص دهند و سرمایه عمر خود را در مسیر حل آن دسته از مسائل ادبی که با ارزش ترند، صرف کنند.

### شیوه دکتر زرین کوب در مسئله یابی

مسئله یابی، مرحله ای با اهمیت در روند تحقیقات علمی است. پژوهشگران موفق برای کشف مسئله پژوهشی و رسیدن به مسائل اصلی و اولویت دار اهمیت ویژه قائلند.

دکتر زرین کوب نیز غیر از بخشی از مطالعاتش که منشأ آن صرفاً علاقه به دانستن و ارضای حس کنجکاوی بود؛ در آثارش به مسئله های آن حوزه مطالعاتی توجه ویژه داشت. آنچه بیش از هر چیز، در کشف مسئله ادبی به او کمک می کرد علاقه او به نگاه تاریخی بود. دکتر زرین کوب تاریخ را عشق قدیم خود معرفی می کرد و در صدد بود تا با تاریخ گذشته را از روی اسناد بازسازی کند و ارتباط حال و گذشته هر چیز از جمله پدیده های ادبی را در توالی زنجیره رویدادها دنبال و توجیه نماید. این ویژگی او موجب می شد تا به مطالعه پیشینه موضوعات مختلف بپردازد. مرور تاریخی مباحث مرتبط با موضوعات، زمینه ساز طرح پرسشهای تازه در ذهن او می شد و موجب می گردید تا خلأهای پژوهشی درباره آن موضوع آشکار شود و مسئله های قابل تحقیق رخ بنماید.

به علاوه، او با مقایسه دیدگاهها و نظریات پیشینیان، تلاش می‌کرد تا از لابه‌لای موضوعاتی که اختلاف آراء درباره آنها شدید است گره‌های اصلی نزاع برانگیز را کشف و تحقیق خود را روی آنها متمرکز کند. البته ذهن تحلیل‌گر و شیوه انتقادی او در یافتن مسئله‌های اصلی به او کمک می‌کردند؛ نگاه جامع‌نگر او که ناشی از گستردگی دانش پایه‌ای او در حوزه‌های معرفتی گوناگون بود و همچنین اندیشیدن درباره زمینه‌ها، عوامل و پیامدهای ظهور پدیده‌های ادبی نیز زمینه‌ساز دستیابی او به مهمترین مسائل ادبی می‌شدند؛ به ویژه آنکه او با استفاده از شیوه تطبیقی تلاش می‌کرد گره‌های ادبی مشابه را در ادبیات و فرهنگ سایر ملل نیز کشف کند. آراء مستشرقان درباره آثار ادبی نیز مسئله دیگری بود که نقد و ارزیابی آنها می‌توانست در دستور کار او قرار گیرد؛ همچنان که درباره شرح قصیده ترسانیه مینورسکی، شرق شناس روسی الاصل، این کار را انجام داد. (ر.ک. زرین کوب، ۱۳۸۰)

#### مهمترین مسئله‌های ادبی دکتر زرین کوب

با نگاهی به آراء و آثار دکتر زرین کوب می‌توان فهمید که کدام مسائل و مشکلات ادبی از نظر او مهمتر بوده‌اند و او نسبت به کدام یک از آنها حساس‌تر بوده و برای حل کدام یک از آنها اقدام عملی انجام داده‌است. در اینجا مهمترین مسائل مورد توجه دکتر زرین کوب را در حوزه تحقیقات ادبی بر می‌شماریم:

۱- یکی از مشکلات مهم در حوزه پژوهش‌های ادبی از نظر دکتر زرین کوب، مسئله ناآشنایی پژوهشگران ادبی با روش تحقیق درست و رواج شیوه‌های نادرست در این حوزه بود. او به خوبی دریافته بود که ارزش یافته‌های پژوهشی تا اندازه زیادی وابسته به میزان درستی روشی است که از طریق آن به دست می‌آید و انتخاب روش نامناسب می‌تواند موجب انحراف و رکود تحقیقات ادبی شود و سرمایه عمر پژوهشگر را به هدر دهد. از این رو، در مقاله «تحقیق درست» تلاش کرد تا بر اهمیت «روش» تأکید ورزد و یادآوری کند که «روش» در تحقیقات علمی، گاهی بیشتر از استعداد و نبوغ پژوهشگر اهمیت دارد. (ر.ک. زرین کوب، ۱۳۵۵: ۹-۱۷)

دکتر زرین کوب از اینکه داعیه‌داران پژوهش در زمان او، کار تحقیق را بیش از حد آسان و خوارمایه گرفته بودند، افسوس می‌خورد و نتیجه مطالعات آنان را به علت بی‌توجهی به روش درست تحقیق و پرداختن به مسائل حاشیه‌ای و غیرضروری، هیاهوی بسیار برای هیچ می‌دانست. او با انتقاد از شیوه کسانی که تنها با گردآوری مطالب متنوع و کنار هم چیدن آنها، کتابهایی پُر حجم اما بی‌اثر، به نام تحقیقات ادبی منتشر می‌کردند درباره شیوه آنان نوشته است:

اما آن شیوه و دستور قالبی و جامد که البته بهانه‌ای برای کاهلان نامجو بیش نیست، پس آسان و ساده است. تمام روایت‌هایی را که در تاریخها و کتابها در آن باب هست گرد می‌آورد و بی‌آنکه اندیشه کند که بسیاری از آن روایات از یکدیگر گرفته شده است، همه را در پی هم می‌آورد و مأخذ تازه و کهنه و روایات درست و نادرست همه را به هم در می‌آمیزد و بی‌آنکه هیچ بتواند در اختلاف این روایات دوری کند، همه را

یکجا فراهم می‌آورد و ناچار از جستجوی دراز پر دامنه‌ای که در آن باب می‌کند؛ هیچ نتیجه‌ای نمی‌گیرد و کتابی کلان اما پوچ و بی‌فایده می‌پردازد؛ که در آن یک سطر تحقیق و یک حرف تازه هم نیست و این همه به سبب آن است که محقق ما رسم و راه تحقیق درست را نمی‌داند. (زرین‌کوب، ۱۳۵۵: ۱۱)

از نظر او، درک درست و همه‌جانبه آثار ادبی با یک شیوه و ملاک امکان‌پذیر نیست بلکه برای رسیدن به این هدف، باید با روشهای گوناگون و متناسب با موضوع، هریک از زوایای روح و جان نویسنده و شاعر را جداگانه کاوید. از این رو، «نه نقد اجتماعی به تنهایی حاصل دارد و نه نقد ذوقی، نه شیوه نقد روان‌شناسی تنها فایده دارد و نه شیوه تاریخی.» (زرین‌کوب، ۱۳۷۸: مقدمه چاپ نخست)

دکتر زرین‌کوب در زمینه روش تصحیح نسخه و روش مطالعه متون عرفانی نیز دیدگاه‌هایی داشت که در ادامه این نوشتار به آنها اشاره خواهد شد.

۲- یکی دیگر از مسئله‌هایی که از نظر دکتر زرین‌کوب در حوزه تحقیقات ادبی مهم به نظر می‌رسید، تصحیح نسخه بود. او به خوبی می‌دانست که اساس تحلیل و تفسیر صحیح از متون ادبی و شکل‌گیری نقد ادبی درست، منوط به در دست داشتن متنی منقح از آثار ادبی است؛ از این رو از آثار تصحیح شده‌ای که با بی‌دقتی و کم‌حوصلگی مصححان به بازار عرضه می‌شد، گله‌مند بود.

او خود عملاً به تصحیح متون پرداخت اما تلاش کرد با آسیب‌شناسی تصحیح‌های موجود، به معرفی و ارائه معیاری علمی برای تصحیح انتقادی متون بپردازد و در این عرصه، نظریه کارل لاکمان (karl lachman) را مناسب‌تر می‌دانست. بر مبنای این نظریه، نقد و تصحیح متون دو مرحله دارد: ضبط و تصحیح. منتقد باید پس از فراهم آوردن تمام نسخ خطی اصیل و فرعی، این نسخ را با یکدیگر مقابله نماید و تمام اختلافاتی را که در جزئی‌ترین موارد بین آنها وجود دارد ثبت کند. سپس به تبارشناسی نسخه‌ها (شناخت نسخه‌های اصلی و فرعی و اینکه کدام نسخه‌ها از اصلی واحد هستند) بپردازد تا بدین وسیله به نسخه منقح‌تر دست یابد. گام بعدی طبقه‌بندی نسخ و پس از آن تهیه نسب‌نامه آنهاست. منتقد پس از این مقدمات نسخه‌های معتبر را گزینش کرده و به مرحله تصحیح قدم می‌گذارد. در مرحله تصحیح باید محقق از حدس و گمان و ظن پرهیز کند و هر جا خدشه و یا نقصانی در لفظ، وزن، و یا به جهت دستوری در نسخه‌ای وجود دارد، همه را بر روی برگه‌ای جداگانه بنویسد و یا کمک کتابهای لغت و مراجعه به آثار معاصر و متقدم در رفع آن بکوشد.

به هر حال، مرحله تصحیح در حکم ایجاد پل و عبور از آن است. صرف نهایت دقت در آن ضروری است. (زرک، زرین‌کوب، ۱۳۸۳ الف: ۱۴۶-۱۴۱)

دکتر زرین‌کوب ضمن یادآوری این مطلب که پس از علامه قزوینی و بدیع الزمان فروزانفر و مجتبی مینوی تصحیح قابل اعتماد، کمتر به انجام رسیده است؛ درباره اینکه چرا خودش به تصحیح نسخه نپرداخته است، می‌نویسد:

« در تصحیح متون چیزی که مانع اشتغال بوده است؛ تردید و احتیاط در به انجام رساندن تصحیح درست این گونه آثار است. معیاری که من سالها پیش از این، در این زمینه عرضه کرده‌ام چنان ترقمی دارد که نیل بدان در مورد هر متنی، صرف یک عمر را الزام می‌کند.» (زرین کوب، ۱۳۷۶: ۲۹۱ و ۴۹۰)

۳- یکی دیگر از مسائلی که ذهن دکتر زرین کوب را به خود مشغول کرده بود چگونگی فهم درست آثار ادبی بود؛ او شرح لغوی متون را نمی‌پسندید و توضیح متون ادبی را در حد شرح اصطلاحات دشوار، بیان نکات دستوری، یادآوری اشارات و تلمیحات، نقل حوادث زندگی شاعر یا نویسنده، ناکافی و ناکارآمد می‌دانست و معتقد بود که پرداختن به این مباحث جز در حد ضرورت، مطلوب نیست و افراط در این مباحث سبب خواهد شد که مردم، به ویژه جوانان، از ادبیات واقعی که خواهان آنند، مهجور بمانند و بیهوده در جستجوی مطالب غیر مفید سرگشته شوند. (ر.ک. زرین کوب، ۱۳۷۰: ۸)

به همین سبب او به جای نوشتن حواشی و پاروئی بر متون ادبی، به تحلیل و تفسیر آنها پرداخت و با استفاده از رویکردهای درون متنی و برون متنی، به ویژه با نگاه تطبیقی تلاش کرد راهی به سوی فهم تازه از معانی متون ادبی بگشاید.

شیوه او در تحلیلها و تفسیرها، بدین گونه است که معمولاً به سه عنصر محتوا، فرم و زبان متون توجه می‌کرد. در نظر داشتن این عناصر در تحلیلها از سویی، و در نظر داشتن نیازها و علائق مخاطبان از سویی دیگر، موجب شد تا آثار او با اقبال مواجه شود. توجه به این ارتباط دو سویه، زمینه نوگرایی در تدوین و عرضه تحقیقات ادبی و پرهیز از رویکردهای کلیشه‌ای و سنتی ناکارآمد را فراهم کرده است.

مجموعه آثار او درباره مولانا و مثنوی، نشان دهنده نگاه جامع او در پژوهش است؛ کتاب «بحر درکوزه» بیشتر به فرم و قالب قصه‌های مثنوی و کتاب «سرنی» بیشتر به محتوا و زبان معطوف است، همچنان که کتاب «پله پله تا ملاقات خدا» نوعی تاریخ نگاری به شکل داستان تحلیلی است که هدف آن بیشتر معرفی مولانا و آثارش برای عموم مخاطبان است.

۴- مسئله دیگر در نزد دکتر زرین کوب، نقد ادبی بود. توجه او به نقد ادبی از دوران جوانی جلب شد و پایان نامه تحصیلی خود را نیز در زمینه نقد ادبی به انجام رساند. او مطالعه ترجمه کتاب شبلی نعمانی با عنوان «ادبیات منظوم ایران» و کتاب «سخن و سخنوران» اثر بدیع الزمان فروزانفر را زمینه ساز گرایش خود به نقد ادبی دانسته است. (ر.ک. زرین کوب، ۱۳۶۸: ۹۶)

دکتر زرین کوب ابتدا در مقدمه چاپ اول کتاب «نقد ادبی» که در سالهای پایانی دهه سی شمسی منتشر شد و سپس در سایر آثارش، به آسیب شناسی نقد ادبی پرداخت و مهمترین آفات نقد ادبی را معرفی کرد که از جمله آنها محیط ناامن نقد و نقادی، بیمارگونگی و نابسامانی نقدها، متهم شدن منتقدان واقعی به عجز در هنر آفرینی، شتاب زدگی و سبک سری و گستاخی و بی‌شرمی منتقدان مدعی، انتقادناپذیری و زود رنجی شاعران و نویسندگان و ذوق ستیزه جوی عوام بود که نقد بی‌شائبه و خالی از جار و جنجال را نمی‌پسندید و از منتقد، متانت و وقاری را که لازمه قضاوت است، توقع نداشت.

در نزد او که نقد ادبی با فلسفه و تاریخ تفکیک ناپذیر تلقی می‌شد و کار بسیاری از منتقدان بی‌اساس، غیرمنصفانه و اظهار نظر بدون شناخت به نظر می‌رسید. او عمداً از وارد شدن در درگیری‌ها و مشاجرات حاد روزمره پرهیز می‌کرد و آنها را «نقد بازاری» می‌نامید و معتقد بود «نقد بازار بدان گونه که در جراید و مجلات جاری عرضه می‌شود هر روز همه جا، پیش از پیش، سرسری، شتابزده و آلوده به اغراض می‌شود و هرروز بیشتر از حد ارزیابی بی‌شائبه که نقد درست از آن حد در نمی‌گذرد، دورتر می‌شود.» (زرین کوب، ۱۳۶۸: ۹۷)

از طرفی دیگر او معتقد بود که یکی از مشکلات نقد ادبی در ایران این است که گروهی در این کار به تجزیه و تحلیل‌های مبنی بر احکام انتزاعی اکتفا می‌کردند و در دنیایی که دو بعد آن را نسبیّت و تطوّر تشکیل می‌دهد به دنبال مبانی جزئی و ثابت و یک‌طرفه می‌گشتند؛ از این رو، او تلاش می‌کرد با نگاهی تاریخی به تطوّر و تکامل دایم و مستمری که در قلمرو آثار ادبی وجود دارد از توقّف در دیدگاه‌های راکد و ثابت خودداری کند. او برای رسیدن به این هدف، نقد تطبیقی را چاره‌ساز می‌دانست. (زرین کوب، ۱۳۷۸: مقدمه)

تجربه و شناخت گسترده و عمیق او در نقد ادبی، با وجود آنکه موجب شد تا خود، شعر و شاعری را کنار بگذارد؛ اما نتایج پرثمری برای تحقیقات ادبی ایران به دنبال داشت زیرا او بر مبنای همین شناخت عینی و نزدیک، مسائل حوزه نقد ادبی را در دو بخش نقد نظری و نقد عملی تشریح کرد. اندیشه‌ها و دیدگاه‌های دکتر زرین کوب را درباره تئوری‌های نقد، اصول و فنون نقد، مکتبها و رویکردهای نقد ادبی می‌توان در دو کتاب «نقد ادبی» و «آشنایی با نقد ادبی» دید؛ و با وجود گذشت نزدیک به نیم قرن از انتشار کتاب «نقد ادبی»، این کتاب هنوز جایگاه ویژه خود را در میان پژوهشگران ادبی و دانشجویان حفظ کرده است. او علاوه بر مباحث نظری، عملاً با نوشتن آثار متعدد، به مباحث انتقادی در باب ادبیات ایران و جهان اقدام نمود. آثار او در حوزه نقد عملی عبارتند از:

«شعری دروغ، شعر بی‌نقاب»، سیری در شعر فارسی، از گذشته ادبی ایران و مقالات انتقادی متعددی که در دیگر مجموعه‌ها همچون یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، حکایت همچنان باقی، نقش بر آب و «نه شرقی، نه غربی، انسانی» منتشر شده است. تحلیل‌های انتقادی دکتر زرین کوب را در با کاروان حله و نیز در آثاری همچون از کوچه رندان، پیرگنجه در جستجوی ناکجاآباد، شعله طور، صدای بال سیمرغ، حدیث خوش سعدی؛ می‌توان از مقوله نقد عملی به حساب آورد.

۵- دکتر زرین کوب ضعف نگاه تاریخی به پدیده‌های ادبی را یکی از مهمترین مسائل پژوهشی می‌دانست. نشانه‌های این ضعف را می‌توان در نادرستی بسیاری از ادعاهای محققان ادبی و مستند نبودن اظهارات آنان در آثارشان می‌دید. این در حالی بود که از نظر او در جهان همه چیز در تاریخ و با تاریخ سیر می‌کند و هیچ چیز از قلمرو تاریخ بیرون نیست و اصولاً علوم انسانی، از جمله ادبیات را نمی‌توان بدون نگاه تاریخی مورد بررسی قرار داد زیرا علوم ادبی مانند بلاغت، عروض، قافیه، لغت و دستور زبان در طول تاریخ

و همراه با تاریخ و تحت تأثیر عواملی که در مجاورتشان قرار داشته است و تاریخ آنها را برایشان به وجود آورده است؛ رشد کرده‌اند و اکنون به کمال رسیده‌اند و باز هم تحول و دگرگونی خواهند یافت. بنابراین همه چیز با تاریخ حرکت می‌کند و شناخت یک پدیده بدون توجه به سیر تحول تاریخی او ممکن نیست. (ر.ک. دهباشی، ۱۳۸۰: ۲۷۰ و ۲۷۱)

او در تحلیل تاریخی ادبیات به چرایی شکل‌گیری پدیده‌های ادبی توجه داشت و در تبیین آنها علاوه بر عوامل بیرونی، بر برجسته کردن عوامل درونی تأکید می‌ورزید؛ از این رو، حتی معیار جرج سارتون، مورخ معروف تاریخ علم را که ادوار شعر و نثر را براساس دوره و نام پیشروان و طلایه‌داران بزرگ هر دوره تقسیم بندی می‌کرد؛ نمی‌پسندید. همچنین شیوه ترکیبی امثال ادوارد براون را مبتنی بر فرضیه «هماهنگی با مجموع عوامل تاریخ ادبی» کافی نمی‌دانست. از نظر او فرضیه نوعی تحول خلّاق و مبتنی بر نظریه میراث و جهش‌های تکاملی که محققانی مانند هرمان اته آلمانی و الساندرو بائوسانی ایتالیایی آن را اساس قرار داده‌اند، بیشتر قابل اعتماد است. (ر.ک. زرین‌کوب، ۱۳۸۳: ب: ۱۲)

براساس همین نظر معتقد بود که همواره بین سنت و تجلّد رابطه درونی وجود دارد و به همین دلیل ادبیات امروز ما، دنباله ادبیات دیروز ماست؛ همچنان که ادبیات امروز ما، حتی هذیانهای رؤیایگونه بعضی شاعران امروزی در ناخودآگاه نسلهای آینده باقی خواهند ماند و در قالب شعر یا نثر ادبی ظهور خواهند کرد. او با چنین بینشی به سراغ چهره‌های برجسته ادب و فرهنگ ایران رفت و برای کسانی همچون امام محمد غزالی، نظامی گنجوی، عطار نیشابوری، خاقانی، حافظ، مولوی و حلّاج کتابهای مستقلی منتشر کرد. نگاهی به آثار دکتر زرین‌کوب در این زمینه نشان می‌دهد او بیشتر به شاعران توجه داشت و از بین شاعران برجسته نیز عملاً کمتر فرصت پیدا کرد تا به صورت مفصل به فردوسی و خیّام بپردازد.

آنچه در بررسی این دست از آثارش جلب نظر می‌کند آن است که او در شناساندن هر کدام از شخصیتها، مسئله‌محور عمل نموده است. او تلاشی می‌کرد تا با نگاهی متفاوت، ابهامات و بخشهای مغفول زندگی و اندیشه‌های آنان را بیشتر مورد توجه قرار دهد تا گره‌های اصلی فهم آثار آنان باز شود. به عنوان مثال، او مسئله مهم در شناخت غزالی را بحث ترتیب و توالی آثار او می‌دانست و معتقد بود «تا وقتی نتوان ترتیب تاریخی منظمی به آثار و تألیفات واقعی و قطعی او داد، نه احوال او را از روی روایات نویسندگان کتابهای تذکره و طبقات می‌توان روشن و بی‌تناقض یافت؛ نه توالی رشته افکار و جزو و مد اندیشه‌های او را می‌توان به دقت و اطمینان دنبال کرد.» (زرین‌کوب، ۱۳۶۹: پنج)

همچنین از نظر او به رغم کارهای پژوهشی زیادی که درباره غزالی صورت گرفته است؛ چیزی که هنوز از دیدگاه خواننده کنجکاو امروز، پژوهش تازه‌ای را طلب می‌کند، زندگی غزالی است؛ پژوهشی که در آن تحقیقات اخیر شرقی و غربی در باب غزالی مورد نقد و ارزیابی مجدد قرار گیرد.

)

همان: نه و ده (

او با نگارش کتاب فرار از مدرسه تلاش کرد تا در این راه گام بردارد و به اندازه توانایی خود در حل این مسئله بکوشد.

دکتر زرین کوب در کتاب «صدای بال سیمرخ» ضمن تأکید بر همانندی‌های عطار و غزالی، وجود عطار را ادامه بُعد فکری و ذوقی غزالی تلقی کرد و با این پیش فرض به تحلیل آثار او پرداخت. مسئله او در کتاب «از کوچه رندان» راهیابی به اندیشه حافظ بود و مشکل تحقیق در دیوان حافظ را دو چیز می‌داند: ۱- ابهام آمیز و رندانه بودن اشعار آن ۲- وجود نداشتن نسخه جامع و دقیق از دیوان حافظ که بتوان کاملاً به آن اعتماد کرد. به همین دلیل معتقد بود که از طریق دیوان حافظ نمی‌توان سیمای واقعی حافظ را شناخت. از نظر او اکثر شارحان و مفسران دیوان خواجه، در حقیقت به جای حافظ، خود را شرح کرده‌اند و هر کدام بنا بر زمینه انفعالی خود و برحسب ذوق و گرایش و اعتقاد مسلکی و جهان بینی خود به حافظ نگریسته‌اند. (ر.ک. خوانساری، ۱۳۷۶: ۱۶۲ و ۱۶۳) از این رو، او در

«از کوچه رندان» به دنبال راه تازه‌ای برای شناخت حافظ بود. او با استفاده از تاریخ و نقد ادبی، و بیان زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عصر حافظ سیر تحول روحی، معنوی و هنری او را مرحله به مرحله بررسی کرد و زمینه‌های لازم برای نگاه چند وجهی به حافظ و تفسیر چند لایه‌ای از اشعار او را فراهم آورد. درباره نظامی گنجوی نیز در کتاب «پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد» تلاش کرد تا عصر و محیط او را که مورد رضایت نظامی نبود، در امتداد زمان و مکانهای دیگر گسترش دهد و رویدادهای مشابه را که پیامد رویدادهای عصر او تلقی می‌شد در تحلیل خود بگنجانند و با تحلیل شیوه شاعری او، سیر تحول فکری و هنری نظامی را به سوی ناکجاآباد و شهر آرمانی‌اش نشان دهد.

۶- یکی دیگر از مسئله‌های مورد توجه او، سطحی‌نگری و کم‌توجهی برخی از محققان نسبت به مبانی و ریشه‌های مباحث بود. او منشأ بسیاری از برخوردهای غیرعلمی را با موضوعات ادبی، همین مسئله می‌داند؛ لذا تلاش می‌کرد در پژوهشهای خود، با ارائه تصویری درست و کامل از مباحث اساسی و زیربنایی بسیاری از مسائل دیگر را حل کند.

از نظر دکتر زرین کوب یکی از مباحث زیربنایی که به فهم درست بسیاری از متون ادب فارسی کمک می‌کند، بحث از عرفان و تصوف است. از نظر او بدون جستجو در تصوف ایران، آشنایی با همه افقهای ناشناخته فرهنگ ایرانی کامل نخواهد بود. از این رو در کتابهای جستجو در تصوف و دنباله جستجو در تصوف به تشریح مبانی اندیشه‌های آنان و در کتاب ارزش میراث صوفیه با نگاهی تاریخی به ارزیابی و نقد عملکرد و دستاوردهای صوفیه پرداخت و این مباحث را در سایر آثار خود گسترش داد.

یکی از مسئله‌های مهم در مطالعات عرفانی از نظر او، تمایز قائل شدن میان عرفان ایرانی و غیر ایرانی و شناسایی ریشه‌های آنها بود.



زرین کوب سه چهره برجسته تصوف ایرانی را غزالی، عطار و مولوی می‌دانست و معتقد بود که فهم تمام جنبه‌های عرفان ایرانی بدون آشنایی با احوال و آثار این سه تن غیر ممکن است. از این رو همواره تلاش کرد تا چهره واقعی آنان را بشناساند.

دکتر زرین کوب به خوبی دریافته بود که یکی از مسائل مهم در بررسی عرفان و تصوف، روش مواجهه با آن و نحوه ارزیابی پژوهشگر از آن است. او به فراست دریافته بود که سعی در شناخت جهان‌بینی عارفان، از پژوهشگر نوعی همدلی را نیز مطالبه می‌کند و بدون این اندک مایه همدلی، محقق نمی‌تواند در گنه و کرانه‌های دوردست این بُعد از فرهنگ ایرانی نفوذ کند و به ارزیابی عینی آن بپردازد. ( زرین کوب، ۱۳۷۹: مقدمه )

از این رو در بررسی مثنوی معنوی، همدلی را اساس کار خود قرار داد بدان جهت که « قسمتی از لطایف آن ( مثنوی ) مبنی بر مواجهه وقت گوینده و تجارب روحانی خود اوست، ادراک آن معانی برای کسانی که با گوینده همدلی و همجوشی روحانی ندارند و در آن اقوال به چشم معارف بحثی می‌نگرند، تعدر بسیار دارد. » ( زرین کوب، ۱۳۶۴، ج ۱: ۱۱ ) و آنگاه می‌افزاید: « اگر در این بررسی کوتاه، اندک مایه همدلی و همجوشی برای نویسنده حاصل شده باشد و چیزی از تجربه روحانی گوینده گه‌گاه در احساس و بیان وی انعکاس یافته باشد از آن روست که برای جستجو در اعماق خاک این درخت برومند، لحظه‌ای چند در آرامش عاری از دغدغه سایه‌های نقره‌گین آن آسوده‌ام و جان و دل را تسلیم موسیقی ساحرانه نی‌نامه او ساختم. » ( همان: ۱۲ )

### نتیجه‌گیری

بررسی و شناسایی شیوه‌های پژوهشگران برجسته ادب فارسی در مراحل مختلف تحقیق می‌تواند راهنمای سایرین به ویژه جوانان پژوهشگر در عرصه تحقیقات ادبی شود. در این میان، توجه به مهمترین دغدغه‌های فکری آنان در حوزه پژوهش ادبی می‌تواند ما را با دیدگاه آنان درباره اصلی‌ترین مسائل و مشکلات مطالعات ادبی آشنا کند؛ به ویژه پژوهشگرانی که شیوه « مسئله محوری » را در تحقیقات، اصل قرار داده‌اند و به دنبال شناسایی پرسشهای اساسی در حوزه مطالعاتی خود و در صدد پاسخگویی به آنها بر می‌آیند.

دکتر عبدالحسین زرین کوب نیز به علت دارا بودن خصلت کنجکاوی، جستجوگری و پرسشگری از این دسته به شمار می‌آید. او علاوه بر آنکه، بیشتر مطالعات خود را بر مسئله‌های مهمتر متمرکز می‌کرد، در بررسی هر موضوعی نیز به گره‌های اصلی مباحث مرتبط با آن موضوع توجه داشت.

او با رویکردی تاریخی به موضوعات گوناگون و مرور دستاوردهای علمی پیشینیان درباره پدیده‌های ادبی، سعی می‌کرد مسائل و پرسشهایی را که پاسخ درخور نیافته‌اند شناسایی کند و به پرسشهای تازه نیز دست یابد. او بخشی از مسائل خود را در میان اختلاف آرا و پاسخهای متناقض پیشینیان درباره یک موضوع

و یا مطابق نبودن نتایج پژوهشهای گذشتگان با شرایط فعلی و یا در اطلاعات آشفته و نظام نایافته آنان جستجو می‌کرد و بخشی دیگر از مسائل را با بهره‌گیری از ذهن تحلیل‌گر، نگاه جامع‌نگر، شیوه انتقادی و رویکرد تطبیقی کشف می‌کرد.

مهمترین دغدغه‌های او در حوزه پژوهشهای ادبی عبارتند از: روش تحقیق درست، تحلیل، تفسیر و نقد متون ادبی، توجه به مبانی و ریشه‌های اصلی مباحث ادبی، نگاه تاریخی به پدیده‌های ادبی و معرفی درست شاعران برجسته ادب فارسی، تصحیح انتقادی متون و...

با نگاهی به آثار دکتر زرین‌کوب متوجه می‌شویم که دغدغه‌های زرین‌کوب بیشتر متوجه گذشته ادبی ایران بود و از ادبیات معاصر، جز مقالاتی پراکنده چیزی از او به جا نمانده است. اشارات کوتاه و گذرای او به ادب معاصر نیز غالباً محدود به معاصرانی می‌شد که در دوره او در شمار گذشتگان درآمده بودند. توجه او به ادبیات گذشته نیز بیشتر معطوف به شعر و شاعری بود؛ از این رو، زبان، فرم و محتوای آثار شاعران برجسته ادب کلاسیک فارسی از جمله نظامی، خاقانی، عطار، سعدی، حافظ و مولانا را در کتابهایی مستقل مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

البته دکتر زرین‌کوب به رغم اظهار شیفتگی که به فردوسی نشان می‌داد و عشق خود به شاهنامه را عشق قدیم می‌نامید، عملاً تحقیقی گسترده درباره فردوسی انجام نداد. او مانع خود را در این راه، عظمت فردوسی و شاهنامه او در فرهنگ ایرانی و تردید و وسواس محتاطانه خویش می‌دانست.

(ر. کد. زرین‌کوب، ۱۳۷۶: ۴۹۰)

(۴۹۱)

دکتر زرین‌کوب از میان شاعران برجسته ادب فارسی که شهرت جهانی پیدا کرده‌اند؛ غیر از فردوسی، به خیام نیز به صورت گسترده پرداخت.

## منابع

- خوئانسازی، محمد، (۱۳۷۶) ، ۴۰ دربارۀ از کوچۀ زندان ، یادگارنامه استاد دکتر عبدالحمید زوین کوب، به کوشش علی دهباشی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- دهباشی، علی، ( ۱۳۸۰ ) ، در راه بازگشت، تهران، به دید .
- رضی، احمد، (۱۳۸۶) ، ۲ روش در تحقیقات ادبی ایران ، گوهر گویا، سال اول، شماره ۱، ص ۱۲۹-۱۴۲.
- زوین کوب، عبدالحمید، (۱۳۸۳ الف ) ، آشنایی با نقد ادبی ، تهران ، سخن.
- \_\_\_\_\_ ، ( ۱۳۸۳ ب ) ، از گذشته ادبی ایران، تهران، سخن.
- \_\_\_\_\_ ، ( ۱۳۷۰ ) ، پله پله تا ملاقات خدای تهران، سخن.
- \_\_\_\_\_ ، ( ۱۳۷۹ ) ، جستجو در تصوف ایران، تهران، امیر کبیر.
- \_\_\_\_\_ ، (۱۳۷۶) ، حکایت همچنان باقی، تهران، سخن.
- \_\_\_\_\_ ، ( ۱۳۸۰ ) ، دیدار با کعبه جان، تهران، سخن.
- \_\_\_\_\_ ، ( ۱۳۶۴ ) ، سرّی، تهران، علمی.
- \_\_\_\_\_ ، ( ۱۳۶۹ ) ، فرار از مدرسه، تهران، سخن.
- \_\_\_\_\_ ، ( ۱۳۷۸ ) ، نقد ادبی، تهران، امیر کبیر.
- \_\_\_\_\_ ، ( ۱۳۶۸ ) ، نقش برآب، تهران، سخن.
- \_\_\_\_\_ ، ( ۱۳۵۵ ) ، یادداشت ها و اندیشهها، تهران، جاویدان.
- قراعلکی، احمد، ( ۱۳۸۳ ) ، اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی، قم، حوزه علمیه.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.  
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.